

## راز ترجمه لفظ‌گرا چیست؟

علی خزاعی فر

راز ترجمه لفظ‌گرا چیست؟ شاید هیچ‌وقت مثل امروز در ایران پرسیدن این سؤال این قدر اهمیت و ضرورت نداشته است چون قُبْح این شیوه ترجمه گویا مدت‌هاست ریخته و غالب ترجمه‌ها به درجات کم یا زیاد به شیوه لفظ‌گرا ترجمه می‌شوند. چرا برخی مترجمان به چنین روشی روی می‌آورند؟ من چند جواب احتمالی به این سؤال به نظرم می‌رسد که در اینجا می‌آورم:

۱. **عدم تسلط کافی به زبان فارسی:** مترجم به زبان فارسی تسلط کافی ندارد و در نتیجه نمی‌تواند جمله‌های نویسنده را به بیان‌های مختلف بنویسد طوری که جمله‌ها فارسی به نظر برسد و مفهوم باشد.
۲. **تنبلی ذهنی مترجم:** مترجم به زبان فارسی آن قدر تسلط دارد که بتواند جمله‌های نویسنده را به بیان‌های مختلف بنویسد ولی بازآفرینی جملات نویسنده در قالب جمله‌های فارسی مستلزم صرف وقت و انرژی فکری زیاد است و این شیوه ترجمه، کار ترجمه را سخت و یا حتی غیرممکن می‌کند.
۳. **فقر دانش نظری درباره ماهیت عمل ترجمه.** بسیاری از مترجمان تصویری خام از ماهیت عمل ترجمه دارند و همان تصور خام را مبنای کار خود قرار می‌دهند. مثلاً تعریف آنها از وفاداری و دقت مخدوش است و یا برابری دو متن را به برابری در سطح خرد (سطح واژه و جمله) و نه سطح کلان محدود می‌کنند و تصویری از مرزهای زبانی ندارند و از آزادی‌های مجاز خود در مقام مترجم غافلند.
۴. **آشنایی زدایی و لذت زبانی:** ترجمه لفظ‌به‌لفظ واژه‌های فارسی را در ترکیب‌هایی جدید و ناآشنا به ما عرضه می‌کند و با این کار هم خواندن را به کاری لذت‌بخش تبدیل می‌کند و هم به زبان فارسی قدرت و غنا می‌بخشد.
۵. **حفظ سبک نویسنده.** برخی مترجمان معتقدند عدول از ترجمه لفظ‌به‌لفظ سبک نویسنده و/یا حقیقت کلام او را مخدوش می‌کند.

۶. شیفتگی به فرهنگ مبدأ. برخی مترجمان آگاهانه یا ناآگاهانه چنان شیفته فرهنگ مبدأ هستند که نویسنده را بر خواننده ترجمه، و زبان او را بر زبان فارسی ترجیح می دهند و برای متن اصلی نوعی تقدس قائل می شوند و در اثر ترجمه تحت اللفظی در نوشته هایشان تداخل زبانی دیده می شود.
۷. لفظگرایی تنها روش دقیق و معقول برای ترجمه: برخی مترجمان روش لفظگرا را تنها روش دقیق و معقول در ترجمه می دانند و می گویند ترجمه اصلاً باید به همین روش صورت بگیرد و هر روش غیر از این انحراف است و مبتنی بر احترام به دیگری نیست و متن ترجمه شده هم کاملاً طبیعی است که رنگ و بوی ترجمه بدهد و به هیچ طریق غیر از این نمی توان متنی را دقیق ترجمه کرد یا به نویسنده وفادار بود.
۸. انتقال تفکر. برخی معتقدند برای دستیابی درست و دقیق به اصل حرف و سرچشمه اندیشه دیگران چاره ای جز ترجمه لفظگرا نداریم، مخصوصاً اگر حرف و اندیشه دیگران قرار باشد مایه رستگاری ما شود، همچنان که مایه رستگاری خود آنها شده است.

من هشت پاسخ احتمالی را در اینجا مطرح کردم. البته برخی از این احتمالها ممکن است همپوشانی داشته باشند و نیز احتمالات دیگری ممکن است وجود داشته باشد. درعین حال می توان گفت که:

۱. اولاً احتمالات فوق را از کتاب نظریه های ترجمه نگرفته ام، بلکه همه موارد بالا در عرصه ترجمه در ایران در ۱۵۰ سال گذشته مصداق دارد. یعنی هر مترجمی که به شیوه لفظگرا ترجمه کرده، اگر درصدد دفاع از شیوه ترجمه خود برآمده، به یک یا چند دلیل از دلایل فوق توسل جسته است.
۲. غالب مترجمانی که در کارشان رنگ و بوی ترجمه دیده می شود به صراحت از این روش دفاع نکرده اند. یعنی، در مقام نظر، نپذیرفته اند که به روش ترجمه لفظگرا قائل هستند. برخی از مترجمان یا تحت عنوان «حفظ سبک نویسنده» از این روش دفاع کرده اند یا اینکه گفته اند به هر دو زبان مبدأ و مقصد وفادار بوده اند، ولی نگفته اند در مواردی که وفاداری به دو زبان ممکن نبوده چه کرده اند.
۳. نمی توان گرایش به روش لفظگرا را به یک دلیل از دلایل بالا فروکاست.
۴. همچنین با توجه به تنوع دلایل، نمی توان گرایش به روش لفظگرا را به یک دوره زمانی خاص محدود کرد، بلکه مترجمان را باید عامل هایی (agent) فعال و خلاق

- دانست که به سلسله‌ای از محرک‌ها مثل ذوق شخصی، نظام ادبی حاکم و ملاحظات فرهنگی و سیاسی واکنش نشان می‌دهند.
۵. لفظ‌گرایی مفهومی مطلق نیست بلکه درجه‌پذیر است، چون این شیوه ترجمه بیانگر گرایش است که در عمل شدت و ضعف پیدا می‌کند. ترجمه‌های لفظگرا پیوستاری را تشکیل می‌دهند که در یک سر آن لفظ‌گرایی افراطی و ناپسند می‌بینیم و در سر دیگر آن لفظ‌گرایی معتدل.
۶. از طرف دیگر، داوری درباره ارزش ترجمه‌های لفظگرا بستگی به نوع متن نیز دارد. روش لفظگرا در ترجمه شعر یا ترجمه کتاب مقدس یا ترجمه متنی مطبوعاتی به یک اندازه توجیه و ارزش ندارد.
۷. در بررسی روش لفظگرا لازم است میان دو چیز تمایز قائل شد، گرایش آگاهانه به این روش که مبتنی است بر نظریه یا تصویری خاص درباره ترجمه و کارکرد آن (اقلام شماره چهار تا هشت در بالا) و گرایش اجباری (اقلام یک تا سه) که ناشی از ناتوانی نظری و زبانی و یا تبلی ذهنی مترجم است.

پس از انقلاب، گرایش به روش تحت‌اللفظی به تدریج شدت پیدا کرده و شاید در جهان توان کشوری را پیدا کرد که این گرایش در آنجا به حد هشدار رسیده باشد، بنابراین دلایل این گرایش را هم باید در وضعیت خاص جامعه ایران جست. در ایران پس از انقلاب گرایش به نظریه‌های غربی به دلایل علمی و سیاسی و فرهنگی و ادبی شدت یافته است. ولی ترجمه در ایران به عرصه‌های نظری محدود نیست، بلکه طیف وسیعی از عرصه‌های مختلف را شامل می‌شود. این عرصه‌ها هم از آسیب روش تحت‌اللفظی در امان نبوده‌اند. در این مدت، تعداد مترجمان و ناشران رشد سرسام‌آوری پیدا کرده است. تعداد دپارتمان‌های آموزش ترجمه در دانشگاه‌های ایران در کل جهان بهت‌آور است. افزایش تعداد نجومی مترجمان و ناشران هم‌زمان با از صحنه خارج شدن تدریجی نسل مترجمان پیش از انقلاب و نیز کاهش کیفیت آموزش زبان فارسی در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها همگی در گرایش به روش تحت‌اللفظی از نوع غیرنظری و اجباری آن دخیل بوده‌اند. در حال حاضر انواع ممیزی بر ترجمه‌ها اعمال می‌شود، ولی هیچ تلاش رسمی در جهت تقویت زبان فارسی (به‌خصوص فارسی در ترجمه) صورت نمی‌گیرد، به طوری که اگر با کمی بدبینی به وضعیت آینده ترجمه در ایران نگاه کنیم می‌توانیم بگوییم دست‌هایی در کار است که همین مقدار کمی ترجمه‌خوان هم که باقی مانده از ترجمه‌ها زده بشوند. زمانی که ایران کمتر از ۲۵ میلیون جمعیت داشت کتاب‌های ترجمه‌شده جیبی در تیراژ ده‌هزار چاپ می‌شد ولی حالا با بیش از هشتاد میلیون جمعیت ترجمه‌ها با تیراژ پانصد چاپ می‌شود.

من اعتقاد دارم یکی از دلایل کاهش مخاطب، کیفیت ترجمه‌هاست و کاهش مخاطب تا این سطح رقت‌انگیز را فقط به حساب سیاست و اقتصاد نمی‌گذارم، گرچه آنها عوامل بسیار مهمی هستند. ما خودمان، یعنی مترجمان و ناشران، باید یاد بگیریم که به خواننده احترام بگذاریم، چون به قول معروف، حرمت امام‌زاده به متولی است.



---

Woe to the makers of literal translations, who by rendering every word weaken the meaning! It is indeed by so doing that we can say the letter kills and the spirit gives life.

وای بر مترجمان لفظ‌گرا؛ آنان که با ترجمه لفظ‌به‌لفظ معنی را تضعیف می‌کنند! و در نتیجه چنین کاری است که به‌راستی می‌توان گفت (پای‌بندی به) کلمه می‌کشد و (پای‌بندی به) روح (متن)، حیات می‌بخشد.

ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸)

